



ویژه تبیین الگوی تصحیح آزمون‌های کتبی مریان

الإمامُ الرضا عليه السلام - في صفة القرآن - : هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ، وَ عُرْوَتُهُ الْوُثْقَى، وَ طَرِيقَتُهُ الْمُنْتَلَى، الْمُؤَدِّي إِلَى الْجَنَّةِ، وَ الْمُنْجِي مِنَ النَّارِ، لَا يَخْلُقُ عَلَى الْأَزْمِنَةِ، وَ لَا يَغْتَلِي عَلَى الْأَلْسِنَةِ، لِأَنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ لَزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، بَلْ جُعِلَ دَلِيلُ الْبَرْهَانِ، وَ الْحُجَّةَ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ.

امام رضا علیه السلام در وصف قرآن فرمود: قرآن ریسمان محکم خدا و دستگیره استوارتر او و راه برتر اوست که به بهشت می‌کشاند و از آتش می‌رهاند و با گذر زمانها کهنه نمی‌شود و زبانهای گوناگون، آن را به انحطاط و تباهی نمی‌کشاند؛ چرا که قرآن برای زمان خاصی قرار داده نشد؛ بلکه به عنوان راهنمای به سوی برهان و حجت بر هر انسانی در نظر گرفته شده است. نه از پیش رو و نه از پشت سرش باطل به آن راه نیابد، فرود آمده از سوی حکیمی ستوده است.

عیون أخبار الرضا: ۲/۹/۱۳۰.

میزان الحکمه ج ۹ ص ۳۳۲/ محمد محمدی ری شهری

پرونده

تبیین فواید و نتایج تصحیح و تحلیل برگه‌های آزمون‌های کتبی مریان

مصاحبه با آقای رجبعلی، عضو شورای تدبیر

• درباره ضرورت و فواید تصحیح برگه‌های آزمون کتبی مریان بفرمایید.

چند هفته‌ای هست که از برگزاری آزمون کتبی تدبیر گذشته است و هرچند هیچ وقتی در این بازه زمانی تلف نشده است، اما باید تعیین تکلیف آزمون‌ها صورت می‌گرفت و همگان از نتایج و نیز برنامه آتی اهالی مدرسه خبردار می‌شدند. موضوع ارزیابی هم برای آزمون‌دادگان و هم شورای تدبیر بسیار اهمیت داشت زیرا هم افراد به تصویر روشنی از نقاط قوت و ضعف خود می‌رسیدند و هم باید برای مدیریت و ساماندهی و البته جاهایی افراد ملاک روشنی وجود می‌داشت. در این خصوص بعضی افراد شناخته شده بودند و بعضی برای همه شناخته شده نبودند. حداقل این بود که همه اعضای شورای تدبیر ملزم شدند همه افراد را بشناسند تا افراد جدید رو بیایند و بتوانند در جایی مناسب قرار بگیرند. به طور مثال، با اینکه مدت زیادی از برگزاری

دوره‌های تدبیر گذشته است اما هر وقت بحث دوره قرآن به قرآن می‌شد، برگزاری این کلاس به بنده محول می‌شد در حالی که افراد شایسته‌تری نیز وجود داشتند. با این آزمون به راحتی معلوم شد چه افرادی می‌توانند مثلاً مربی قرآن به قرآن باشند. همین که توانستیم افراد را برای مربی‌گری دوره‌ها معرفی کنیم یعنی آزمون به غرض خودش رسیده است؛ هر چند همه اهداف در برگزاری چند کلاس خلاصه می‌شود.

پس در یک قضاوت کلی برگزاری این آزمون، فوایدی زیادی داشت. هرچند ممکن است طرح مسئله آن و حضور در آن بعضی‌ها را اذیت کرده باشد. پیش از این مریان پیشکسوت مصاحبه شفاهی دادند و معلوم شد با مصاحبه به آنچه می‌خواهیم نمی‌رسیم و باید آزمون کتبی طراحی شود.

طراحی سوالات به استاد بزرگوار همه ما، آقای اخوت واگذار شد. سوالات طرح شده توسط ایشان جامع،

دقیق، همه‌جانبه و روشن‌کننده خیلی مسائل بود. حقیقتاً یک آزمون بود.

• آمار شرکت‌کنندگان در آزمون به تفکیک هر دوره و مدارس به چه صورت بود؟

حدود ۲۰۰ نفر داوطلب داشتیم. روز آزمون همه نیامدند و برخی ترجیح دادند در زمان دیگری شرکت کنند. از تعداد حاضر شده در این آزمون، ۹۳ نفر در آزمون تفکر، ۳۸ نفر در آزمون تدبیر کلمه‌ای، ۳۹ نفر در آزمون تدبیر سوره‌ای و ۲۷ نفر در آزمون تدبیر قرآن به قرآن شرکت کردند. ۱۰ نفر از این تعداد، در تمامی آزمون‌ها، ۱۶ نفر در سه آزمون، ۲۰ نفر در دو آزمون و ۶۷ نفر برای تک آزمون شرکت نمودند. (مجموعاً ۱۱۷ نفر با تعداد ۱۹۵ برگه). تصحیح عمده برگه‌ها به عنوان مصحح اول با بنده بود و بقیه اعضای شورا به بازبینی برگه‌ها پرداختند. بر اساس نتیجه برگه‌ها، سطح توان عمومی هر مدرسه و فرد نیز تحلیل شد.

معنی شرکت بسیاری از دوستان در تک آزمون، این نبود که بقیه کتابها و روشها را بلد نبودند بلکه احتمال برگزاری آزمون دوباره در آبان ماه، باعث شد بعضی افراد ارزیابی خود را به آن زمان موکول کنند یا تمامی دورهها را آزمون ندهند. با این حال هنوز تصمیم قطعی درباره آزمون آبان ماه گرفته نشده است اما نظر کلی شورای تدبیر این است که به همین خاطر و به دلایل دیگر بهتر است این آزمون را در آبان ماه نیز داشته باشیم. در حال حاضر نظرات دوستان شورا، بیشتر معطوف به این است که وظیفه برگزاری آزمون تبدیل به ساختاری شود که هر مربی بتواند به احراز توانمندی دانشجویانش بپردازد.

از نظر ترکیب حضور اعضای مدارس در آزمون آمار بدین قرار می باشد که: ۱۱ نفر از مدرسه اهل بیت، ۱۴ نفر از مدرسه تبلیغ، ۱۷ نفر از مدرسه تزکیه و تعلیم، ۷ نفر از مدرسه حفظ، ۵ نفر از مدرسه دعا و فقه حکومتی، ۳ نفر از مدرسه طب، ۱ نفر از مدرسه علوم اجتماعی، ۵ نفر از مدرسه علوم انسانی، ۲ نفر از مدرسه علوم پایه، ۱۰ نفر از مدرسه هنر، ادب و رسانه، ۲ یا ۳ نفر از مدرسه مجازی، ۳ نفر از مدرسه تدبیر در قرآن و ۳۶ نفر هم نامعلوم بودند که در هر کدام از این مدارس ممکن است باشند و احتمالا هنوز تعیین جا نکرده اند یا اینکه ننوشتند و ما هم نتوانستیم بشناسیم.

• درباره مبنای تصحیح برگه ها و چگونگی احصای آن بفرمایید.

مبنای تصحیح برگه ها بستگی به این سوال داشت که قرار است با این دوستان چه برنامه ای داشته باشیم؟ اگر این موضوع تعیین تکلیف می شد، چگونگی تصحیح خصوصا به صورت فرد به فرد، ممکن بود اهمیت نداشته باشد. البته فشاری برای ما وجود داشت که دوستان زحمت کشیدند و آزمون دادند و باید بهر حال جواب متناسب، درخور و شایسته ای را دریافت کنند که فایده ای علمی هم داشته باشد.

باید مبنایی تعیین می شد که فرد به ارزیابی تفصیلی خود بتواند برسد. یعنی باید مبنای هر سوال بدست می آمد. همچنین چهار حالت برای جوابها در نظر گرفته شد: جوابهای کامل و تام، جوابهای ناقص، جوابهای دور و بی جواب. بعد از آن باید تعیین می شد هر کدام از این حالتها چهارگانه در پاسخ دهی به هر یک از سوالات، معنایش چیست؟ این کار حدود ۵۰ ساعت از وقت شورای تدبیر را گرفت.

یعنی باید معلوم می شد هر سوال مربوط به کدام درس از یک کتاب است؟ هر درس چه غرضی دارد؟ و اگر فرد در یکی از حالتها چهارگانه پاسخ داده باشد یعنی به چه حدی از غرض دست یافته است؟

آنقدر این معنا را به طور تفصیلی کار کردیم که مثلا در سوالات بی جواب مانده قید کرده ایم یا فرد بلد نبوده

است، یا به خاطر ضیق وقت و خستگی نتوانسته پاسخ دهد.

طبعاً جوابهای تام یعنی فرد توان مناسبی دارد. اما جوابهای تام هم می توانند رده بندی داشته باشند، بعضی ممکن است گزاره هایشان خیلی قویتر از دیگر جوابهای تام افراد باشد. اما یک ضعف عمده در کلیت مدرسه وجود داشت، یعنی به غیر از عده ای از افراد، آزمون دهندگان به دو دسته تقسیم می شدند: یا مسلط به روشها بودند و یا نبودند. افراد مسلط هم، با اینکه روشها را بلد بودند خروجی ها و گزاره هایشان به شکوه و شأن آن روش نبود. مثل اینکه کسی وزنه بردار باشد اما بار یک کیلویی بلند کند! منتهی ما، متوجه خشخاش نگذاشتیم! اما بسیاری از گزاره های افراد ضعیف بود و انگار هنوز افراد با روشها راحت نیستند و ندانند روش چه کمکی به آنها می تواند بکند. حدسمان این است که دوستان با پیشرفت در سیر علمی شان و حضور در دوره تدبیر مکی، این نقص را بتوانند برطرف کنند.

درباره جوابهای ناقص، نقص در مهارت عامل اصلی تشخیص داده شد. یعنی افراد سؤال را می فهمیدند اما ممارست و شاید هم حوصله کافی برای پاسخگویی نداشتند. فرد نمی تواند گزاره نویسی را ادامه دهد یا نمیداند تا کجا می تواند جلورود. هر چند عموم جوابهای تام هم به خاطر ضعف گزاره ها این مشکل را داشتند. پاسخ های دور و به قول معروف پرت و اشتباه، به خاطر این بود که فرد اشارتی به مبانی کتاب نداشت. چون مثلا همین که کسی به طور کلی بداند تعریف تفکر در قرآن چیست، می تواند از آن کلیت استفاده کرده و جواب ناقصی را بنویسد. و برای این جوابهای دور، ضرایب منفی در نظر گرفته شد.

سوالاتی که بی جواب مانده بود به علت های مختلف بود. مثلا فردی مادر بود و همراه بچه سر جلسه حاضر شده بود و محدودیتی برایش به وجود آمده بود، یا عجله داشت و باید می رفت و وقت کافی نداشت. تعدادی کمی هم بودند که می گفتند برای اولین بار با مدرسه قرآن آشنا شده اند و تنها می خواستند بدانند آزمون چطوری است و همین برایشان کفایت کرده بود (حدود ۳-۵ نفر). البته حین تصحیح بنده درک می کردم که حتی بعض دوستان به دلایل دیگری نیز برخی سوالات را بی پاسخ گذاشتند. آنها به دلیل عظمت فهم ممکن است نتوانسته باشند جوابی دهند. هر چند چون قابل اثبات نبود، بهر حال به این مورد هم غمزه ای تعلق نگرفت.

سوالات تام، کل غمزه را داشتند، سوالات ناقص نصف غمزه را، سوالات دور، منفی نصف غمزه و سوال بی جواب هم ضریب صفر در نظر گرفته شد.

تصحیح با حالت اغماض انجام نگرفت اما با این حال نتیجه کلی غمرات در سطح رقم و درصد های بالا و

خوب در حد عالی بود. اصلا تعجب و شک هم در نحوه تصحیح نکردیم. با اینکه غمزه ی زیادی نداده ایم و شاید افراد حتی بعد از دیدن برگه ها معترض هم شوند اما آمار بسیار خوب بود.

در آزمون ها بعضی سوالات مهم تر بودند چون تعلق به درسهای کلیدی تری دارند. یعنی اگر این سوالات را فردی بلد باشد، اهم موضوعات کتاب را فهمیده است. برای همین به آنها ضرایب بیشتری دادیم. ضرایب بدین صورت بود:

• آزمون تفکر: سوال ۷-۹ با ضریب ۲ و سوال ۱۱ با ضریب ۳.

• آزمون تدبیر کلمه ای: سوال ۵ با ضریب ۲ و سوال ۹ و ۱۰ با ضریب ۳.

• آزمون تدبیر سوره ای: سوال ۶ و ۷ با ضریب ۲ و سوال ۹ با ضریب ۳.

• و آزمون قرآن به قرآن: سوال ۱ و ۵ و ۸ با ضریب ۲.

پس از اعمال این ضرایب مشاهده شد که غمرات چندانی تغییر زیادی نکرده است و به این نتیجه رسیدیم که قوت عمومی بسیار بالاست. الان که این حرف را می زنیم، برداشتمان تفصیلی است و می توانیم افراد را جایابی کنیم، همچنین افراد ناشناس بسیاری به چشم آمدند.

• چه نقاط ضعف عمده ای به طور کلی در برگه ها دیده شد که جای دقت و ارتقاء دارند؟

به طور کلی سه ضعف مهم در پاسخها وجود داشت: ۱. ضعف فراگیر، ضعف مهارت است. یعنی افراد روش را بلد هستند اما زیاد کار نکرده اند.

۲. ضعف تمرکز، حوصله و صبر. ممکن است خیلی ها از حوصله و آرامش کم آورده باشند اما خب باید این مسئله اصلاح شود و عذر موجهی نیست.

۳. ضعف در دانستن تعاریف.

شخصا برای بعضی افراد در جایی یادداشتی تک جمله ای نوشته ام که البته در کارنامه درج نشد. مثل این عبارات: قابل اطمینان و استخوان دار، بسیار خلاق و مسلط، ظرافتهای خاصی که کمتر دیده شد، ضعف در یکپارچگی نمودارها، خشیت در دریافت قول ثقیل، فرآیند استخوان دار اما خروجیهای متوسط و...

• تحلیلتان از تعداد متفاوت شرکت کنندگان در هر دوره چیست؟

بعضی دوستان قدیمی تر یک آزمون را شرکت کرده بودند و غمزه کامل هم گرفته بودند. با این حال توقع بود تعدادی بیشتر از ۱۰ نفر در همه آزمونها شرکت کنند. افرادی که چهار آزمون را داده اند یعنی استقامتی ترند. اینها نکاتی است که در پس زمینه و ورای برگه های آزمونها بدست آمد. چنین افرادی به برنامه ریزی و پژوهش نزدیکترند.

چون نوشتن یک کتاب، روندی مشابه به آزمون دارد.

که شامل سیر تعیین سؤالاتی برای سیر یک کتاب، پیدا کردن جوابهای سؤالات، تعیین معیار برای تصحیح جوابها و تصحیح آنها می باشد. یک چرخه یک الی دو روزه پژوهشی اینگونه است و کتابها و مقالات بدین شکل نوشته می شوند. اگر فردی بتواند این ساعات متوالی آزمون دادن را تحمل کند، یعنی می تواند پژوهش را هم تحمل کند چون تا فعلا نصف یک هفته پژوهشی را تجربه کرده است. شاید خود افراد شرکت کننده در همه آزمون ها ندانند، اما اصل پژوهش همین تمرکز مستمر بر یک موضوع است.

• تحلیلان از برگه ها به تفکیک مدارس تخصصی چگونه است؟

به نظرم با این آزمون ارزش نیروهای کادر مسلط به روش ها خیلی خوب معلوم شد. در این خصوص ثروتمندترین مدارس، مدرسه تزکیه و تعلیم است. به خاطر افرادی که اصلا در چشم نیستند اما بسیار قوی اند. دو کتاب آخر را قوی تر بودند و تعداد بالاتری نسبت به مدارس دیگر از این مدرسه شرکت کرده بودند. از نظر تشکیلاتی این مدرسه قابل الگو می تواند باشد.

در مدرسه تدبر، عمده افراد یا در دوره تفکر قوی تر بودند یا تنها در آزمون تفکر شرکت کرده بودند. این حالت هشدار دارد درباره اینکه ممکن است آفتی بعدا ایجاد شود و افراد به سطح مشخصی از معلومات زود قانع شوند.

زود قانع شدن، خطر عمده و عمومی مدارس است و ربطی به یک مدرسه ندارد. چون انتظار می رفت تعداد زیادی در اکثر آزمونها شرکت کنند اما اینطور نشد و این یعنی تعداد زیادی از افراد به آنچه بلدند، قانع شده اند.

• درباره مسئله فعلی شورای تدبر و پیامک دیروز سامانه مدرسه با اعلام نتیجه اولیه، توضیح بفرمایید.

مسئله بعدی شورای تدبر، شبکه بندی افراد در یک ساختار است در این بخش افراد به پنج سطح تقسیم شده اند و تکلیف هر سطح در شبکه ای درختی از افراد متفاوت و در سطوح مختلف تعیین شده است. برای هر فرد پیامکی ارسال شده است که به واسطه آن هر فرد می فهمد در چه رده و سطحی است و برای طی مسیر خود و قوت گرفتن تدبرش باید چه مسیری را طی کند.

در کل بر اساس نتایج کارنامه ها، افراد در پنج رده زیر قرار گرفتند:

رده اول: افرادی که در سطح تخصصی هستند و می توانند دیگران را در طی کردن این سطح سیر دهند. رده دوم: کسانی که در سطح عمومی هستند و می توانند دیگران را تا پایان دوره عمومی، سیر داده و تا مرز تخصص برسانند.

رده سوم: افرادی که می توانند بعضی کتابها را تدریس کنند

رده چهارم: افرادی که استعداد تدریس را دارند اما لازم است با شرکت در برخی کارگاه ها و دوره ها توانشان به

نصاب لازم برسد.

رده پنجم: شامل افرادی است که باید دوباره کتابها را مطالعه کنند.

افراد از هر رده، به افراد حاضر در رده های دیگر مرتبط می شوند. یعنی در نظام شبکه ای آموزشی، هر فرد هم سیر علمی خودش را خواهد داشت تا ارتقاء یابد و هم کارنامه ای درباره نحوه سیر دادن دیگران در رده های دیگر و کمک به ارتقاء بخشی به آنان خواهد داشت.

این رسالت ارتباط آموزشی، یک تکلیف عمومی است و اگر می خواهیم بروز اجتماعی داشته باشیم حتما باید چنین روندی برای ارتقاء یافتن خودمان و ارتقاء دادن دیگران را بپذیریم. به همین دلیل فعلا برای این ساختار ارتباطی و شبکه ای، در حال طراحی و تصمیم گیری هستیم. قصد داریم در مهرماه با یک سُمبیه ی پر پتانسیل کار آموزشی برای جذب افراد جدید و با رویکرد تخصصی داشته باشیم. زمان کمی داریم برای اینکه بتوانیم با جذب حداکثری، خودمان و دیگران را در حصن قرآن قرار دهیم. ان شاء الله که در این آزمون نیز سر بلند باشیم.

سخن آخر اینکه هر فرد با جدولهای ذیل، بهره مند از کارنامه های گویا و تفصیلی می شود. این جداول مبنای تصحیح برگه ها بوده اند و البته ممکن است نواقصی هم داشته باشند اما این نواقص در نتیجه ماجرا تأثیر تعیین کننده ای نداشته اند.

جدول تفصیلی مبنای تصحیح آزمونهای دوره عمومی تدبر به تفکیک هر کتاب و درس آن

نکته: سؤالات چهار آزمون کتبی دوره های تدبر بر روی سایت مدرسه قرآن و عترت (QuranEtratSchool.Ir) در خبر نشریه کاشف شماره ۱۷۲ به عنوان ضمیمه نشریه قابل دریافت می باشند.

جدول نسبت سؤالات هر آزمون با هر درس کتب تدبری		
آزمون دوره ی:	شماره سؤالات آزمون	درس مربوطه
روشهای تفکر در قرآن	۱	خوب دیدن و خوب شنیدن
	۲	خوب دیدن و خوب شنیدن
	۳	قالبهای ادبی و بیانی
	۴	قالبهای ادبی و بیانی
	۵	پس زمینه
	۶	واژه
	۷	گزاره (۲ و ۱)
	۸	گزاره (۲ و ۱)
	۹	نمودار (۲ و ۱)
	۱۰	گزاره ۲+ تعریف کلی تفکر
	۱۱	فهم عمومی از تفکر

آزمون دوره‌ی:	شماره سوالات آزمون	درس مربوطه
روشهای تدبر کلمه‌ای	۱	معنا
	۲	سؤال عمومی و پایه
	۳	مفهوم و مصداق
	۴	تعریف (تمرکز بر بحث جهت کلمه و اشتقاق)
	۵	محکم و متشابه
	۶	تعریف
	۷	تعریف
	۸	معرفی واژه
	۹	غرض، روح جاری در کلمات
	۱۰	معرفی واژه
	۱۱	ارتباط زنجیره‌ای کلمات/ یا تعریف (اشتقاق)
روشهای تدبر سوره‌ای	۱	عمومی و پایه تحلیل
	۲	طبقه‌بندی آیات
	۳	طبقه‌بندی آیات
	۴	طبقه‌بندی آیات
	۵	طبقه‌بندی بر اساس جریان حق و باطل طبقه‌بندی بر اساس وضعیت مطلوب و نامطلوب طبقه‌بندی بر اساس بروزات انسان و حقایق (بستگی به انتخاب و اجرای دانشجو دارد)
	۶	حقایق تفصیل یافته، زمینه علم و ادراک
	۷	آیات کلیدی در تفصیل حقایق
	۸	مؤلفه‌های احکام
	۹	احکام به تفصیل + بخشهایی از محکم‌ترین احکام
	۱۰	احکام به تفصیل + بخشهایی از محکم‌ترین احکام
	۱۱	احکام به تفصیل
روشهای تدبر قرآن به قرآن	۱	مطالعه محتوای کلی سوره در کل قرآن
	۲	انتخاب زوج سوره بر اساس ظاهر آیات
	۳	انتخاب زوج سوره بر اساس ظاهر آیات انتخاب زوج سوره بر اساس محتوا
	۴	انتخاب خانواده و گروه سوره
	۵	انتخاب خانواده و گروه سوره
	۶	تفصیل حقایق با حقایق
	۷	انتخاب خانواده و گروه سوره
	۸	تدبر موضوعی، سوره‌ای و آیه‌ای، موضوعی-سوره‌ای
	۹	تفصیل حقایق در بسترهای مختلف (محکم و متشابه)
	۱۰	تدبر موضوعی، سوره‌ای و آیه‌ای، موضوعی-سوره‌ای

آزمون روشهای تفکر در قرآن (جلد دوم)					
دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
خوب دیدن و خوب شنیدن (سوره مبارکه علق)	۱ و ۲	قدرت تجسم و بهره گیری از آن در تحلیل جوانب آشکار و مخفی در یک موضوع + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده و موضوع تفکر	عدم ممارست کافی در تمایز دیدنی ها و شنیدنی ها (ضعف مهارت)	عدم توان کافی در برقراری نسبت خوب دیدن و خوب شنیدن با کلیت تفکر (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
قالب های ادبی و بیانی (سوره مبارکه قلم)	۳ و ۴	قدرت تحلیل لحن و انس و فهم مفهوم کلام + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده و موضوع تفکر	عدم ممارست کافی در ادبیات و انعطاف لازم برای تحلیل آن (ضعف مهارت)	عدم توان کافی در برقراری نسبت قالب های ادبی و بیانی با مفهوم تفکر (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
پس زمینه (سوره مبارکه مدثر)	۵	قدرت تفکر در موضوعات عینی و ملاحظه تلازم های یک اعتقاد یا گفتار و رفتار با زمینه ها و بسترهای فرهنگی + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده و موضوع تفکر	عدم ممارست کافی در تمرکز بر جوانب مخفی و در دسترس سوره های قرآن (ضعف مهارت)	عدم توان کافی در برقراری نسبت پس زمینه با تفکر (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
واژه (سوره مبارکه کافرون)	۶	قدرت تحلیل مؤلفه ای + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده و موضوع تفکر	عدم ممارست کافی در ترکیب جوانب مقدماتی و نتیجه ای متن سوره های قرآن (ضعف مهارت)	عدم توان کافی در برقراری نسبت تفکر واژه ای با تفکر (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
گزاره (۱) (سوره مبارکه فیل)	۷ و ۸	توان استدلال و قیاس + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی نسبت به مهارت و انعطاف در استنتاج گزاره ها در اقسام دلالت های تباین، تلازم، مطابقت و تضمن (ضعف مهارت)	عدم اتقان کافی در گزاره ها و تشخیص نسبت آن با تفکر (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
گزاره (۲) (سوره مبارکه قریش)	۷ و ۸ و ۱۰	توان شناخت گزاره های متقن + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی نسبت به مهارت ارزیابی نتایج حاصل از گزاره ها (ضعف مهارت)	عدم تمایز کافی میان گزاره های متقن و غیر متقن (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از نسبت تعریف تفکر با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
مؤودار (۱) (سوره مبارکه بلد)	۹	توان رؤیت جوانب حاصل از درک یکپارچگی گزاره ها و درک حصر در احتمالات مختلف + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در به کارگیری ترکیب چند قیاس و رابطه آنها در فرض های مختلف / عدم ممارست در نادیده گرفتن برخی فرض ها در صورت لزوم (ضعف مهارت)	عدم تمایز کافی در تشخیص اصل از فرعیات یک موضوع (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
مؤودار (۲) (سوره مبارکه ملک)	۹	توان رؤیت جوانب حاصل از درک یکپارچگی گزاره ها و درک بُعد + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در به کارگیری ترکیب چند قیاس و رابطه و نسبت آنها در ابعاد مختلف (ضعف مهارت)	عدم تمایز کافی در تشخیص اصل از فرعیات یک موضوع (ضعف در تعاریف)	عدم اطلاع کافی از تعریف تفکر و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی

آزمون روشهای تدبر کلمه ای (جلد سوم)					
دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
معنا (سوره حمد)	۱	توان مطلوب در پرواز ذهن و عمق بخشیدن به موضوعات + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در استفاده واژگان به جای یکدیگر	عدم توان کافی در نزدیک شدن به غرض	عدم اطلاع کافی از معنای کلمات و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
مصدق و معنا (سوره توحید)		توان مطلوب در کاربردی و عملیاتی دیدن معانی + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در همراه و جدا دیدن معانی در یک مصداق	عدم توان کافی در تمایز مصداق و معنا	عدم اطلاع کافی از مصداق و معنا و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی

دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
مفهوم و مصداق (سوره عصر)	۳	توان مطلوب در انتقال موضوعات به قرآن و موضوعات قرآنی به جریان زندگی + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در نسبت برقرار کردن میان مفهوم با مصداق	عدم توان کافی در تناسب برقرار کردن میان حقیقت یک چیز، با آنچه فهمیده می شود.	عدم اطلاع کافی از مفهوم و مصداق کلمه و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
کوثر- تکاثر- مجادله (تعریف)	۴ و ۶ و ۷ و ۱۱	توان مطلوب در تعریف واژگان از بستر قرآن + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در شناخت و بکارگیری انواع تعریف، جهت تعریف و اقسام اصطلاح	عدم توان کافی در تحقیق علمی	عدم اطلاع کافی از تعریف کلمه و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
مطففین (معرفی)	۸ و ۱۰	توان مطلوب در فهم و شناسایی مصادیقی که قرآن برای یک مفهوم طرح می کند	عدم ممارست کافی در پیدا کردن آیات معرفی کننده مفاهیم	عدم توان کافی در استفاده عمیق از ظاهر قرآن	عدم اطلاع کافی از معرفی قرآن از کلمات و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
طارق (اشتراک معنا)		توان مطلوب در شناخت مراتب واژگان و تسلط بر پیدا کردن قدر مشترک واژگان	عدم ممارست کافی در استفاده از انعطاف واژگان	عدم توان کافی در شناخت مراتب واژگان و	عدم اطلاع کافی از اشتراک معنای واژگان و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
بروج (غرض، روح جاری در کلمات)	۹	توان مطلوب در دقت بکارگیری مفاهیم و حسن انتخاب واژگان	عدم ممارست کافی در نسبت برقرار کردن میان غرض سوره با واژگان آن سوره	عدم توان کافی در تشخیص درست قرابت واژگان	عدم اطلاع کافی از نسبت غرض با انتخاب واژگان و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
نبا (محکم و متشابه)	۵	توان مطلوب در استناد واژگان متشابه به محکومات	عدم ممارست کافی در نحوه تشخیص و استناد واژگان متشابه به محکومات	ابهام در ارزش گذاری مفهیم	عدم اطلاع کافی از نسبت واژگان متشابه با محکومات و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
زمر (ارتباط زنجیره های کلمات)	۱۱	توان مطلوب در شناخت روابط و شبکه واژگان در یک سوره + ارتباط مطلوب میان سوره و مسأله طرح شده	عدم ممارست کافی در تشخیص اصل و فرع و دور و نزدیک در روابط واژگان	عدم توان کافی در درک مختصات	عدم اطلاع کافی از ارتباط زنجیره های کلمات و نسبت آن با درک مناسب از سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی

آزمون روشهای تدبیر سوره ای (جلد چهارم)					
دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
طبقه بندی آیات (سوره مبارکه واقعه)	۲ و ۳ و ۴	توان کلنگری و درک تفصیل از خلال دسته بندی آیات	عدم ممارست کافی در تشخیص دسته بندی مناسب و درک غرض از این دسته بندی	ابهام در درک کلنگری	عدم اطلاع کافی از درس طبقه بندی آیات و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
طبقه بندی بر اساس جریان حق و باطل (سوره مبارکه حاقه)	۵	توان تحلیل کلی سوره های قرآن به کمک جریان شناسی + ایجاد نسبت آن با فهم یک سوره	عدم ممارست کافی در چگونگی تفکیک جریان و شبه جریان و تعیین شاخص های عینی آن در یک سوره	ابهام در نسبت میان مفهوم جریان با حق و شبه جریان با باطل	عدم اطلاع کافی از درس طبقه بندی بر اساس جریان حق و باطل و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
طبقه بندی بر اساس وضعیت مطلوب و نامطلوب (سوره مبارکه معارج)	۵	توان طبقه بندی سوره ها و کلنگری از خلال شناخت طبیعت و فطرت انسان + ارتباط مناسب میان یک سوره و این مسأله طرح شده است.	عدم ممارست کافی در چگونگی تفکیک مفاهیم مربوط به فطرت و طبیعت انسان تعیین شاخص های وضعیت مطلوب و نامطلوب برای شناسایی عینی آن در یک سوره	عدم توان کافی در درک نسبت میان وضعیت مطلوب و نامطلوب با فطرت و طبیعت انسان	عدم اطلاع کافی از درس و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی

دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
طبقه بندی بر اساس بروزات انسان و حقیقی (سوره مبارکه مزمل)	۵	توان طبقه بندی سوره ها بر اساس طبقه بندی حقایق و انعکاس آن در بروزات انسان + درک کل نگر از روی اثر و حقایق بر انسان	عدم ممارست کافی در تسلط بر دو درس گذشته + تشخیص بروزات انسان و حقایق در یک سوره	عدم توان کافی در درک نسبت میان حقایق و بروزات با دغدغه ها و رفتارها	عدم اطلاع کافی از درس طبقه بندی بر اساس بروزات انسان و حقایق و نسبت آن با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
حقایق تفصیل یافته، زمینه علم و ادراک (سوره مبارکه ق)	۶	توان تدبیر در سوره های قرآن در سیر از تفصیل به احکام	عدم ممارست کافی در طبقه بندی سطوح حقایق	عدم توان در تحلیل نسبت طبقه بندی سطوح حقایق و رابطه و تأثیر آن با علم و ادراک	عدم اطلاع کافی از درس حقایق تفصیل یافته، زمینه علم و ادراک و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
آیات کلیدی در تفصیل حقایق (سوره مبارکه مرسلات)	۷	توان تدبیر در سوره های قرآن در سیر از احکام به تفصیل	عدم ممارست کافی در برقراری نسبت میان آیه کلیدی با دسته آیات مختلف و استنتاجهای متمایز آن	ابهام در کیفیت و چگونگی جریان حقایق در مراتب مختلف	عدم اطلاع کافی از درس آیات کلیدی در تفصیل حقایق و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
احکام و تفصیل (سوره مبارکه فصلت)	۱۱	توان تدبیر در سوره های قرآن و تمایز احکام و تفصیل در آنها	عدم ممارست در یافتن موضوعات یک سوره و ترتیب موضوعات یک سوره در طیفی از احکام تا تفصیل همچنین عدم ممارست در استفاده از جدول برای تفکیک موضوعات آیات یک سوره	ابهام در تمایز احکام از تفصیل	عدم اطلاع کافی از درس احکام و تفصیل و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت
انواع احکام و تفصیل (سوره مبارکه یس)	۱۱	توان شناخت و تفکیک انواع احکام و تفصیل در هر سوره	عدم ممارست در تفکیک و استفاده از اقسام احکام و تفصیل در قالبهای تفریعی، تمثیلی، تکوینی، تشریعی، آخرتی به کمک نشانه ها و شاخصه های آن	ابهام در شناخت اقسام احکام و تفصیل	عدم اطلاع کافی از درس عدم اطلاع کافی از درس آیات کلیدی در تفصیل حقایق و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
مؤلفه های احکام (سوره مبارکه قمر)	۸	توان رتبه بندی آیات احکام	عدم ممارست در استخراج و طبقه بندی آیات احکام بر اساس عدم وابستگی به بستر	ابهام در نسبت احکام با سطح وابستگی به بستر	عدم اطلاع کافی از درس مؤلفه های احکام و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی
محکم ترین احکام (سوره مبارکه رحمن)	۹ و ۱۰	توان برقراری نسبت میان اسماء و صفات الهی (به عنوان محکم ترین احکام) با آیات یک سوره	عدم ممارست در پیاده سازی احکام، تفصیل، احکام به تفصیل و نهایتاً تفصیل به احکام در یک سوره	ابهام در اینکه ربط میان اسماء و صفات الهی با سایر آیات چیست	عدم اطلاع کافی از درس محکم ترین احکام و نسبتش با سوره مورد سؤال / ضیق وقت و خستگی

آزمون تدبیر قرآن به قرآن (جلد پنجم)					
دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
مطالعه محتوای کلی سوره در کل قرآن (سوره عصر با کل قرآن)	۱	توان تفصیل دادن یک سوره در کل قرآن	عدم ممارست کافی در یافتن مصادیق پراکنده مفاهیم یک متن متمم (سوره) از قرآن	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن و نسبت آن با مطالعه محتوای کلی سوره در کل قرآن	عدم اطلاع کافی از درس مطالعه محتوای کلی سوره در کل قرآن / ضیق وقت و خستگی
مطالعه سوره از منظر محتوای سوره ای دیگر (کل قرآن با سوره عصر یا ناس)		توان تفصیل دادن سوره های قرآن به کمک یک سوره	عدم ممارست کافی در متمرکز ساختن مصادیق مختلف یک مفهوم بر مفاهیم سوره های مشخص	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن و نسبت آن با مطالعه سوره از منظر محتوای سوره ای دیگر	عدم اطلاع کافی از درس مطالعه محتوای کلی سوره در کل قرآن / ضیق وقت و خستگی
انتخاب زوج سوره بر اساس ظاهر آیات (سوره شمس با سوره لیل)	۲ و ۳	توان کشف وجه اشتراک میان هر دو سوره های که با سوره دیگر در نقطه ای محوری (غرض یا نزدیک به غرض) از ظاهر، مشترک باشند	عدم ممارست کافی در یافتن تعبیر ظاهری و مشترک دو سوره	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و چگونگی زوجیت دو سوره از قرآن بر اساس عبارت ظاهری قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس انتخاب زوج سوره بر اساس ظاهر آیات / ضیق وقت و خستگی

دروس کتاب	شماره سوال در آزمون	تحلیل پاسخ تام	تحلیل پاسخ ناقص	تحلیل پاسخ دور	تحلیل عدم پاسخ
انتخاب زوج سوره بر اساس محتوا (سوره شمس با سوره اعلی)	۳	توان کشف وجه اشتراک میان هر دو سوره‌های که با سوره دیگر در محتوایی محوری (غرض و نزدیک غرض) مشترک باشند	عدم مهارت کافی در یافتن محتوای مشترک دو سوره	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و زوجیت دو سوره از قرآن از حیث محتوا قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از در انتخاب زوج سوره بر اساس محتوا / ضیق وقت و خستگی
انتخاب خانواده سوره (سوره شمس، لیل، اعلی، نازعات، مؤمنون یا یکدیگر)	۴ و ۵ و ۷	توان کشف وجه اشتراک میان هر خانواده یا گروهی از سوره‌ها.	عدم مهارت کافی در پیدا کردن نقاط مشترک ظاهری و محتوایی سوره‌ها	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و چگونگی مرتبط شدن چند بستر در قرآن قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از در انتخاب زوج سوره بر اساس محتوا / ضیق وقت و خستگی
انتخاب آیه متناسب با غرض سوره (سوره تین با آیات دین در کل قرآن)		توان ایجاد ارتباط میان هر سوره‌های با آیه متناسب با غرض	عدم مهارت کافی در جمع‌آوری آیات مرتبط با غرض یک سوره و تفکیک و طبقه‌بندی شئون مختلف مفهوم کلیدی مشترک آنها و نهایتاً انتخاب مناسب‌ترین آیه برای بستر و سوره مورد سؤال	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و نسبت غرض یک سوره و آیه متناسب با آن غرض در کل قرآن قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس انتخاب آیه متناسب با غرض سوره / ضیق وقت و خستگی
تفصیل حقایق با حقایق (آیه‌ای از سوره لیل با آیات مرتبط قرآن و با سوره انسان)	۶	توان بسط و شرح آیه‌ای به وسیله سوره متناسبی که از حیث غرض با آن آیه قرابت داشته باشد.	عدم مهارت کافی در شناخت اقسام تأکید در آیات قرآن و ایجاد رابطه میان آنها و یا سوره‌ای از قرآن	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق تعبیر آیات مؤکد به حقایق و نحوه ارتباط آنها قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس تفصیل حقایق با حقایق / ضیق وقت و خستگی
تفصیل حقایق در بسترهای مختلف (محکم و متشابه) (آیاتی از سوره مبارکه نور با آیاتی از کل قرآن و با سوره مبارکه توحید)	۹	توان ارجاع آیات متشابه به محکمت در همان سوره یا سوره‌های دیگر	عدم مهارت کافی در شناخت شاخصه‌هایی برای تشخیص محکمت و اقسام متشابهات و نحوه ارتباط و استناد آنها	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق رابطه محکم و متشابه قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس تفصیل حقایق در بسترهای مختلف (محکم و متشابه) / ضیق وقت و خستگی
تفصیل حقایق با نمونه‌های قابل مشاهده (آیاتی از سوره مبارکه شمس، با کل قرآن)		توان تفصیل حقایق با نمونه قابل مشاهده و عینی	عدم مهارت کافی در نظم دادن به دامنه وسیع یا محدود اطلاعات برای تحلیل درست قصص قرآن	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در تأثیر شأن مثل بر حکایات قرآنی قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس تفصیل حقایق با نمونه‌های قابل مشاهده / ضیق وقت و خستگی
تفصیل اوامر و نواهی (مطلق و مقید) (آیاتی مربوط به امر به استغفار در کل قرآن)		توان تفصیل اوامر و نواهی به نحوی که این اوامر و نواهی ایجاد سوء برداشت یا ابهام در اجرای حکم نکنند	عدم مهارت کافی در تشخیص اوامر مربوط به رسول و دیگران و نیز مطلق یا مقید بودن آنها	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و تأثیری که شرایط بر اجرای حکم می‌گذارند قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس تفصیل اوامر و نواهی (مطلق و مقید) / ضیق وقت و خستگی
تدبر موضوعی، سوره ای و آیه ای، موضوعی_سوره ای (موضوع هدایت در سوره اعلی و سوره های شمس و لیل و ضحی و انشراح، نازعات)	۸ و ۱۰	توان تحقیق در موضوعات کلی قرآن	عدم مهارت کافی در انتقال یک مسأله به سوره‌های در قرآن و فصل‌بندی آن بر اساس آن سوره و انتخاب سوره‌هایی مناسب برای توضیح و بسط هر فصل	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق و چگونگی نسبت یافتن یک موضوع با سوره و سوره‌هایی از قرآن قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس تدبر موضوعی، سوره‌ای و آیه‌ای، موضوعی_سوره‌ای / ضیق وقت و خستگی
کلمه در بستر کل قرآن (کلمات سوره مبارکه قدر در کل قرآن)		توان استخراج مفاهیم از عرف قرآن و حاصل شدن درکی فراتر از عرف ادبیات	عدم مهارت کافی در ساماندهی و جمع‌بندی آیاتی که یک مصطلح قرآنی را شرح داده‌اند	ابهام در کیفیت مثنائی بودن قرآن که در منطق حاکم بر تمایز تعریف عرف رایج و عرف قرآن از یک مفهوم قابل بررسی است	عدم اطلاع کافی از درس کلمه در بستر کل قرآن / ضیق وقت و خستگی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد

آزمون روش های تفکر

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره تلفن همراه

۱. از آیات اول تا سیزدهم دیدنی ها و شنیدنی های سوره مبارکه مزمل را به تفکیک بنویسید.
۲. از بین موارد دیدنی و شنیدنی یک مورد دیدنی یا شنیدنی ترکیبی نشان دهید. (ترکیبی یعنی مربوط به رابطه دو یا چند دیدنی و شنیدنی است).
۳. از آیات اول تا نوزدهم قالب ادبی آیات را بنویسید. حداقل سه گزاره قابل استنتاج از قالب ادبی بنویسید. شماره آیات را درج نمایید.
۴. از آیات اول تا نوزدهم قالب بیانی آیات را بنویسید. حداقل سه گزاره قابل استنتاج از قالب بیانی بنویسید. شماره آیات را درج نمایید.
۵. با توجه به محدوده ای از سوره مزمل که مشخص می کنید پس زمینه آن را به دست آورده و عناصری از آن تعیین و براساس آن یک یا چند گزاره بنویسید.
۶. از آیات ششم تا هشتم براساس تحلیل واژه های سوره، گزاره هایی بنویسید.
۷. مجموعه ای از گزاره های سوره مبارکه مزمل را ارائه دهید که براساس آن بتوانید گزاره های خود را در دو سطح گزاره های هست و نیستی، و باید و نبایدی تفکیک کنید. (لازم است نظم گزاره ها شما را به حقیقتی از حقایق سوق دهد.) (شماره آیه فراموش نشود).
۸. با توجه به گزاره های فوق گزاره های درجه دوم و سوم نیز استخراج کنید. شمار آیه و گزاره فراموش نشود.
۹. سوره را بخش بندی کرده و براساس آن، سوره را در قالب موضوعاتی ارائه داده سپس سوره در نمایی تصویر به صورت نمودار نشان دهید.
۱۰. متن پشت صفحه از المیزان است این متن را به صورت گزاره های تفکیک کرده (علامت گذارید.) و کار فکری که در رابطه با آن گزاره انجام شده را بنویسید.
۱۱. تفکر را تعریف کرده و برای تفکر سیری معرفی کنید و براساس این سیر، مهارت هایی برای ارتقاء تفکر ارائه دهید. ارتباط درس های کتاب با این مهارت ها را بیان کنید.

«پس اینکه می فرماید: "إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا" منظور از "قول ثقیل" همین قرآن عظیم است، به دلیل اینکه این آیات را که در اول بعثت نازل شده برای هر کس بخوانی همین به ذهنش می رسد، مفسرین هم قول ثقیل را به قرآن تفسیر کرده اند.

این آیه در مقام تعلیل حکمی است که جمله "قُم اللَّيْلَ..." بر آن دلالت دارد، در نتیجه به مقتضای سیاق - با در نظر گرفتن اینکه خطاب به خصوص رسول خدا (ص) است - این معنا را می رساند که اگر گفتیم شب زنده داری کن، و در شب با خواندن نماز متوجه درگاه ما شو، برای این بود که خود را برای کرامت قرب و شرف حضور، و افتخار همکلامی با ما آماده سازی، تا ما قول ثقیلی را بر تو القاء کنیم. بنا بر این، نماز شب راهی است که آن جناب را به چنین موقعی کریم منتهی می سازد. در جای دیگر هم خدای سبحان نماز شب را راه به سوی خدا خوانده، می فرماید: "إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا" «این يك تذکر و یادآوری است پس هر کس بخواهد می تواند به سوی پروردگارش راهی اتخاذ کند. سوره دهر، آیه ۲۹». خدای سبحان در آیه زیر وعده بیشتری داده، فرموده: "وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا" «در پاره ای از ساعات شب تهجد کن، تهجدی داوطلبانه که امید است پروردگارت تو را به مقامی محمود مبعوث فرماید. سوره اسراء، آیه ۷۹». که در تفسیر همین آیه معنای مقام محمود را بیان کردیم. و وقتی یکی از جهات سنگینی قرآن سنگینی معارف آن، و نیز پذیرفتن شرایع و احکام آن است قهرا بر امت هم ثقیل خواهد بود، همانطور که بر رسول خدا (ص) سنگین بود، پس معنای آیه این است که: ما به زودی به تو وحی می کنیم قولی را که هم برخوردت سنگین است و هم بر امت، اما سنگینی آن بر خود تواز جهت صعوبت تحقق حقائق آن، و از جهت مصائبی است که در طریق ابلاغ آن خواهی دید، و سلب راحت و فراغت است که از تو خواهد شد، و از جهت مجاهدت نفس و انقطاع به سوی خدا، و زحماتی است که لازمه گرفتن وحی است. و اما سنگینی آن بر امت از این جهت است که آنها هم در پاره ای از جهات یاد شده با تو شریکند، از آن جمله تحقق دادن به حقائق قرآن در نفس، و نیز پیروی اوامر و نواهی خدا و رعایت حدود آن است، که هر طایفه از طوایف امت به قدر وسع و طاقتش باید این رنجها را تحمل کند.»

کلمات مورد نیاز:

نشأ: هو إحداث أمر مستمر، أو حدوثه في استمراره ومع البقاء. (پدیدار شدن امری که استمرار دارد و یا به وجود آمدنش وابسته به استمرار آن و همراه با بقای آن است.)

الناشئة: ما يحدث من شيء في استمرار وامتداد. والمراد حدوث خصوصية روحانية صافية وامتداد زمان خال عن الكدورات و الموانع والهيجانات.

وطأ: هو استعلاء على شيء وجعله تحت النفوذ والتصرف. (تسلط بر چیزی و قرار دادن آن تحت نفوذ و تصرف)

قول: هو إبراز ما في القلب وإنشاؤه بأي وسيلة كان. (ابراز آنچه در قلب است به هر وسیله ای که باشد.)

والقیل: قول فيه تحقق وانطباق. (قیل قولی است که در محقق شدنی است و با واقع انطباق دارد.)

سبح: هو الحركة في مسیر الحق من دون انحراف ونقطة ضعف، أو كون على الحق منزها عن نقطة ضعف. (حرکت سریع در مسیر

حق بدون انحراف و ضعف است یا بر حق بودن منزّه از نقطه ضعف است.)

بتل: الإبانة والفصل بين الشئین. (جداسازی و فصل بین دو چیز است.)

سوره مزمل	سُورَةُ الْمُزَّمِّلِ
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هان، ای جامه به خود پیچیده! (۱)	يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱)
شب را جز اندکی، [به عبادت] برخیز (۲)	قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)
نیمی از آن را، یا اندکی از آن بکاه. (۳)	نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)
یا بر آن [نیمه] بیفزای و قرآن را شمرده و با تأمل بخوان. (۴)	أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَيِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)
همانا ما به زودی بر تو گفتاری گران القا خواهیم کرد. (۵)	إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)
مسلم پدیده‌ی شب [خیزی] دارای استحکام بیشتر و ذکر و قرائت [در آن] استوارتر است. (۶)	إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَظَنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)
تحقیقا تو را در روز آمد و شدی طولانی است. (۷)	إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)
و نام پروردگار خود را یاد کن و [از همه] بریده یکسره به سوی او روی آور. (۸)	وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸)
[اوست] پروردگار مشرق و مغرب که معبودی جز او نیست، پس او را کارساز خویش گیر. (۹)	رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹)
و بر آنچه می‌گویند صبر کن و به شیوه‌ای نیکو از آنان دوری گزین. (۱۰)	وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰)
و مرا با تکذیب کنندگان صاحب نعمت واگذار و اندکی مهلتشان ده. (۱۱)	وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (۱۱)
همانا نزد ما زنجیرها و آتش افروخته است، (۱۲)	إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲)
و طعامی گلوگیر و عذابی دردناک. (۱۳)	وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳)
روزی که زمین و کوه‌ها به لرزه در آیند و کوه‌ها توده‌ای از ریگ روان شوند. (۱۴)	يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيرًا مَّهِيلًا (۱۴)

<p>در حقیقت ما به سوی شما رسولی که گواه بر شماست روانه کردیم، همان گونه که رسولی به سوی فرعون فرستادیم. (۱۵)</p>	<p>إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا (۱۵)</p>
<p>[ولی] فرعون آن رسول را نافرمانی کرد پس ما او را به شدت فرو گرفتیم. (۱۶)</p>	<p>فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً (۱۶)</p>
<p>پس اگر کافر شوید، چگونه از [عذاب] روزی که کودکان را پیر می کند خود را حفظ می کنید؟ (۱۷)</p>	<p>فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷)</p>
<p>[روزی که] آسمان از [هیبت] آن در هم شکافد. وعده ای او انجام شدنی است. (۱۸)</p>	<p>السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)</p>
<p>بی تردید این [آیات] تذکاری است، پس هر که خواست، به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. (۱۹)</p>	<p>إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹)</p>
<p>قطعا پروردگارت می داند که تو نزدیک به دو ثلث از شب و گاه نصف آن یا ثلث آن را [به نماز] بر می خیزی و گروهی از آنان که با تو هستند نیز [چنین می کنند]، و خداست که اندازه ای شب و روز را تقدیر می کند. می داند که شما هرگز نمی توانید حساب آن را [برای زمان عبادت] اندازه گیری کنید پس بر شما بخشید. اینک هر چه از قرآن میسر شد بخوانید. [خدا] آگاه است که گروهی از شما بیمار خواهند شد و عده ای دیگر در پی کسب روزی خدا سفر می کنند و [گروهی] دیگر در راه خدا جهاد می کنند. پس هر چه میسر شد از آن بخوانید و نماز را بر پا دارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه بدهید و هر کار خوبی برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بزرگ تر باز خواهید یافت، و از خدا آمرزش بخواهید که خدا آمرزنده ی مهربان است. (۲۰)</p>	<p>إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)</p>

آزمون تدبر کلمه‌ای

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره تلفن همراه

۱. کلمات آیات اول تا دوازدهم سوره مبارکه قیامت را انتخاب کرده و نوعی دسته‌بندی را انتخاب کرده و براین اساس آنها را از هم تفکیک کنید. نتیجه فهم خود از سوره را با توجه به این تحلیل در گزاره یا گزاره‌هایی بیان کنید.
۲. کلمه «القیامة» را به وسیله تحلیل واژه به مقدمه، لازمه و آثار تحلیل کنید. با توجه به این تحلیل گزاره یا گزاره‌هایی را بیان کنید.
۳. با توجه به مفهوم کلمه «اللّوامة»، برخی از مصادیق آن را برای «نفس لوامه» بنویسید.
۴. ابتدا معنای ریشه «فجر» را از کتاب التحقیق مورد توجه قرار داده سپس تأثیر کلمات هم‌جوار این کلمه در آیه ۵ را در معنای این کلمه بررسی کرده و بیان کنید.
۵. سیرانسان در مراتب مختلف دنیا را با کلمات مربوط به آن نشان دهید. نتیجه فهم خود از سوره را با توجه به این تحلیل در گزاره یا گزاره‌هایی بیان کنید.
۶. عبارت «تحبون العاجلة» در آیه ۲۰ را تحلیل کرده و مصادیق آن را از سوره مشخص کنید و دلیل آن را (یعنی دلیل محبت به عاجله) با توجه به مصادیق یاد شده بنویسید. (شماره آیات فراموش نشود).
۷. آیات ۲۰ تا ۳۵ را مد نظر قرار دهید. از یک طرف کلمات با مفاهیم متضاد و متناقض را استخراج کرده و از سویی کلمات با مفاهیم مشترک را استخراج کنید و آنها را در جدولی نشان دهید. سپس از هریک، نمونه‌ای را تحلیل نمایید. نتیجه فهم خود از سوره را با توجه به این تحلیل در گزاره یا گزاره‌هایی بیان کنید.
۸. یکی از کلماتی را که سوره خود تعریف می‌کند را نام برده و براساس آیات سوره، این تعریف تبیین کنید.
۹. با توجه به غرض کلی سوره واژه‌های متناسب با غرض را انتخاب کرده، بقیه واژگان سوره را حول این واژه‌ها قرار داده و به شکل نموداری نشان دهید.
۱۰. ویژگی‌های انسان در این سوره چیست؟ آیا می‌توان از این ویژگی‌ها به تعریفی مشخص برای انسان رسید؟
۱۱. بخش زیر از تفسیر المیزان را مطالعه کرده، یک مورد از نقش تحلیل واژه در تفسیر آیه را بیان کنید. آیا می‌توانید این کلمه را یکی از مفاهیم محوری سوره معرفی کنید؟ چرا؟
«وَالْتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ» ظاهراً این عبارت این است که مراد از آن پیچیدن ساقهای پای محتضر در یکدیگر است، چون وقتی روح به گلوگاه می‌رسد حیات ساری در اطراف بدن باطل گشته، دیگر تعادلی بین اعضا نمی‌ماند...
"إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ" کلمه "مساق" مصدر میمی است، که همان معنای مصدر (سوق) را می‌دهد، و مراد از اینکه در قیامت یا در روز مرگ سوق به سوی خدای تعالی است، این است که بازگشت به سوی اوست، و اگر از بازگشت، به مساق تعبیر آورد، برای اشاره به این بود که آدمی در این بازگشت، اختیاری از خود ندارد، مانند حیوانی که دیگری او را می‌راند، آدمی را هم دیگری به سوی این سرنوشت می‌برد، و او خود هیچ چاره‌ای از آن ندارد، پس او به حکم "إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ" از روز مرگش به سوی پروردگارش رانده می‌شود، تا به حکم "إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ" در قیامت بر او وارد شود. و اگر در باره اینکه چرا جمله "إِلَى رَبِّكَ" جلوتر از جمله "يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ" ذکر شده؟ بگوییم به منظور افاده حصر بوده، آن وقت آیه شریفه می‌فهماند که غایت و نقطه نهایی هستی برگشتن به خدای تعالی است..»

پاسخ به سؤالات می تواند براساس ترجمه یا براساس معانی زیراز کتاب التحقيق باشد:

قوم: هوما يقابل القعود، أى الانتصاب و فعلية العمل، مادياً أو معنوياً. وأما القيامة: فباعتبار قيام الخلق فيها لرب العالمين،
لوم: هوانتقاد عن حالة أو عمل واقع مشافهة، وإن كان في الواقع حسناً إلا أنه بنظر المنتقد غير صالح وعلى خلاف صلاح العامل. (نفس لومه): و
إذا قاربت الحياة بمراقبة النفس وانتقادها ولومها دائماً ما يترأى من التقصير في العمل، فيكون الإنسان سعيداً، ويتحصّل كمال الخير والسعادة.

نفس: هوتشخص من جهة ذات الشيء، أى ترتفع في شيء من حيث هو، والتشخص هو الترفع.

انس: هو القرب مع الظهور بعنوان الاستيناس، في مقابل النفور والوحشة والبعد.

سوى: هو التوسط مع الاعتدال،

فجر: هوانشقاق مع ظهور شيء. ومن مصاديقه:

انشقاق الظلمة و طلوع نور و ضياء. و انشقاق في الجبل و نبوع الماء. و انشقاق حالة الاعتدال و خروج أمر مخالف يوجب فسقا و طغيانا. و انشقاق
حالة الإمساك بظهور الكرم.

فز: هو الحركة السريعة مدبراً للتخلص عن ابتلاء أو لانكشاف ابتلاء.

قز: هو تمكّن مع استمرار و تثبت.

بصر: هو العلم بنظر العين أو بنظر القلب.

حب: هو الوداد و الميل الشديد، و يقابله البغض و التنفر.

عجل: هوما يقابل البطؤ، و هو الاستباق و الإسراع في أمر من دون أن يتصبر إلى حلول وقته.

سواء كان ذلك الأمر ممدوحاً أو مكروهاً، و سواء كان النية و قصد المرید خيراً أو شراً.

اخر: هو التأخر و هوما يقابل التقدم.

و الآخر: كفاعل، بمعنى المتأخر المطلق بالنسبة إلى ما قبله، و هذا المعنى محفوظ في جميع موارد استعماله كما في - اليوم الآخر - بالنسبة إلى يوم الدنيا
المتقدم.

وذ: هو ترك التوجه و النظر إلى شيء.

نضر: هو لمعان و بريق في الظاهر يعلن عن حسن حال.

نظر: هو رؤية في تعمق و تحقيق في موضوع مادّي أو معنوي، ببصر أو ببصيرة.

بسر: هو حصول أمر أو وقوع عمل قبل أوانه، و يختلف هذا المفهوم باختلاف الموارد و الموضوعات، كمقام الطراوة في النبات، و الغضاضة في الإنسان و
غيره،

فقر: هو ضعف يوجب احتياجاً، و هو في قبال الغنى، فإن الغنى هو قوة يرفع الاحتياج. و **الفارقة** في قبال النظر إلى الرب الغنى الحميد، و هوما يوجد فقراً
و حاجة و يحيط الحياة في الآخرة.

رق: هو الرفعة بالتدرج و درجة و أغلب استعماله في موارد الاختيار. و التراقي جمع الترقوة و هي العظم فوق الصدر و في أعلى الأضلاع بين الثغرة
من النحر و عظم العاتق. و الظاهر أنها من الرق بتناسب كون هذا العظم في أعلى الصدر و الظهرو كأن الأضلاع مرقاةً و **الترقوة** الدرجة الأعلى منها. و
زيادة التاء كما في ترغوت من الرّم، و تنبيت من النبت، و ترعية و أمثالها.

فرق: هوما يقابل الجمع. كما أن النظر في الفصل إلى رفع الوصل. و في الانفراج إلى مطلق حصول الانفراج و الفرجة بين الشيئين. و في الشق إلى
حصول انفراج في الجملة سواء حصل تفرق أم لا

سوق: هو حث على سير من خلف، في ظاهر أو معنى. و سبق في السحب أن الجلب هو السير به بالقهر - راجعه.

سدى: هو الحركة إلى جانب من دون فکرو تدبير و نظم صحيح، سواء كانت تلك الحركة مهملة بذاتها كما في اللعب بالجوز أو مهملة بانتفاء القصد
الصحيح كما في الحركات المهملة الباطلة لغوا.

موفق باشيد

سوره قیامه	سورة الْقِيَامَةِ
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
نه، سوگند به روز رستاخیز، (۱)	لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)
و [باز] نه، سوگند به نفس ملامتگر [که زنده می‌شوید]. (۲)	وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)
آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳)	أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)
چرا، در حالی که قادریم بر این که سر انگشتان او را هم بازسازیم. (۴)	بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)
[انکار معاد دلیل موجهی ندارد]، بلکه انسان می‌خواهد در آینده‌ی خود بدکاری کند. (۵)	بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)
[از سر انکار] می‌پرسد: روز رستاخیز چه وقت است؟ (۶)	يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ (۶)
پس آن‌گاه که چشم [از وحشت] خیره گردد، (۷)	فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)
و ماه در خسوف افتد. (۸)	وَحُشِفَ الْقَمَرُ (۸)
و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (۹)	وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)
آن روز انسان می‌گوید: گریزگاه کجاست؟ (۱۰)	يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْزُ (۱۰)
حاشا! پناهگاهی نیست. (۱۱)	كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)
آن روز قرارگاه [نهایی] به سوی پروردگار توست. (۱۲)	إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲)
آن روز انسان بدانچه پیش فرستاده و بعد فرستاده آگاهی داده می‌شود. (۱۳)	يُنَبِّئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)
بلکه انسان خود بر [نیک و بد] خویشتن بیناست. (۱۴)	بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴)
هر چند [به زبان] عذرهایش را پیش آورد. (۱۵)	وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرُهُ (۱۵)
زبان‌ت را به قرآن [پیش از تمام شدن وحیش] حرکت مده که به [قرائت] آن شتاب کنی. (۱۶)	لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶)
چرا که جمع آوری و قرائت آن بر [عهده‌ی] ماست. (۱۷)	إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)
پس چون آن را قرائت کردیم، تو آن قرائت را پیروی کن. (۱۸)	فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)
سپس توضیح آن [نیز] بر عهده‌ی ماست. (۱۹)	ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹)

وَلَىٰ نَه، [شما دنیای] زود گذر را دوست می‌دارید. (۲۰)	كَأَلَّ بَلِّ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰)
و آخرت را وا می‌گذارید. (۲۱)	وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱)
در آن روز چهره‌هایی خرم و شادابند. (۲۲)	وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ (۲۲)
به سوی پروردگار خود می‌نگرند. (۲۳)	إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ (۲۳)
و چهره‌هایی در آن روز عبوس و درهم است. (۲۴)	وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)
[چرا که] می‌داند عذاب شکننده‌ای در پیش دارد. (۲۵)	تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)
نه، چنین نیست، آن‌گاه که جان به گلوگاه رسید، (۲۶)	كَأَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الثَّرَاقِي (۲۶)
و گفته شد: چاره‌ساز کیست؟ (۲۷)	وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)
و دانست که آن، هنگامه جدایی [از دنیا] است، (۲۸)	وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)
و [محتضر از سختی جان دادن] ساق‌هایش به هم پیچید، (۲۹)	وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)
آن روز، روز رانده شدن به سوی پروردگار تو [برای حساب] است. (۳۰)	إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)
پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد. (۳۱)	فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)
بلکه تکذیب کرد و روی گردانید. (۳۲)	وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى (۳۲)
سپس مغرورانه سوی کسانش رفت. (۳۳)	ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳)
[با این اعمال] وای بر تو! پس وای بر تو! (۳۴)	أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ (۳۴)
باز هم وای بر تو! سپس وای بر تو! (۳۵)	ثُمَّ أَوَّلَىٰ لَكَ فَأَوَّلَىٰ (۳۵)
آیا انسان می‌پندارد که بی‌هدف رها می‌شود؟ (۳۶)	أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)
مگر او نطفه‌ای که [در رحم] ریخته می‌شود نبود؟ (۳۷)	أَلَمْ يَكْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُنثَىٰ (۳۷)
سپس خون بسته‌ای شد و [خدایش] شکل داد و درست کرد. (۳۸)	ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۳۸)
پس دو جنس نر و ماده را از آن، پدید آورد. (۳۹)	فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۳۹)
آیا این [خدا] قادر نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۰)	أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (۴۰)

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد

آزمون روش های تدبر سوره ای

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره تلفن همراه

۱. موضوعات آیات اول تا پنجم و بیست تا بیست و پنجم سوره مبارکه نوح علیه السلام را بنویسید.
۲. دسته بندی ترتیبی سوره مبارکه نوح علیه السلام را ارائه دهید. موضوعات هر دسته را بنویسید.
۳. سیر موضوعات سوره را در قالب گزاره یا گزاره هایی بیان کنید.
۴. نموداری براساس دسته بندی ترتیبی رسم کنید.
۵. یک نمونه دسته بندی موضوعی از سوره ارائه دهید. نموداری برای این دسته بندی رسم کنید. توضیح لازم درباره آن را بیان کنید.
۶. غرض سوره را بنویسید و مطالب آن را در سه سطح زیر طبقه بندی کنید:
الف. حقایق غیر وابسته به شرایط
ب. حقایق وابسته به شرایط ولی بدون وابستگی به انسان
ج. حقایق وابسته به شرایط و وابسته به انسان
۷. با توجه به محور قرار دادن آیه ۱۳ سوره را دسته بندی مجدد کنید. براساس چنین دسته بندی چه حقایقی مورد تأکید قرار می گیرد.
۸. مؤلفه های احکامی تر سوره را استخراج کنید. ارتباط این مؤلفه ها با هم را بیان کنید.
۹. نموداری از سیر سوره از احکام به تفصیل و بالعکس را رسم کنید.
۱۰. غرض سوره را براساس سیر فوق به دست آورید سپس با غرض قبلی که استخراج کرده اید مقایسه و امتیازات آن را بیان کنید.
۱۱. متن زیر از تفسر المیزان را مطالعه کنید و براساس این متن، تحلیلی از احکام به تفصیل سوره ارائه دهید.

"قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا اللَّهَ..." به طور اجمال و تفصیل بیان می کند، جمله "إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ"، به طور اجمال و جمله "أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ..." به طور تفصیل. و اگر کلمه "قوم" را به ضمیر راجع به خودش اضافه کرد و گفت "یا قومی" که جمله "یا قوم" مخفف آن است، برای این بود که اظهار دلسوزی و مهربانی کند، و خواست بفرماید شما همگی مردم منید، و مجتمع قومی ما، من و شما را يك جا جمع کرده، بدی و ناراحتی شما مرا هم ناراحت می کند، و من برای شما جز خیر و سعادت چیزی نمی خواهم، به همین جهت شما را از عذابی که پشت سردارید هشدار می دهم.

در جمله " **أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ**" ایشان را به توحید در عبادت می خواند، چون مردم نوح بت پرست بودند، و مذهب وثنیت (بت پرستی) داشتند، که اجازه نمی دهد مردم خدای تعالی را بپرستند، نه به تنهایی، و نه با غیر، بلکه تنها مجازند با پرستش بتها ارباب بت ها را بپرستند، تا آن ارباب که مستقیماً خدا را می پرستند، نزد خدا شفاعت ایشان کنند در حقیقت عبادت پرستندگان خود را روی عبادت خود نهاده تحویل خدا دهند و اگر این مذهب اجازه پرستش خدای تعالی را می داد حتماً خدا را به تنهایی می پرستیدند، پس دعوت چنین مردمی به عبادت خدا در حقیقت دعوت به توحید در عبادت است.

و جمله " **وَ اتَّقَوْهُ**" دعوتشان را به اجتناب از گناهان کبیره و صغیره است، یعنی **شُرک** و پایین تر از **شُرک**، و انجام اعمال صالحه ای که انجام ندادنش گناه است.

و جمله " **وَ أَطِيعُونِ**" دعوتشان به اطاعت از خودش است، و اطاعتشان از او مستلزم این است که رسالتش را تصدیق نموده، معالم دین خود را و دستور یکتا پرستی را از او بگیرند، و این دستورات را سنت حیاتی خود قرار دهند. پس جمله " **أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اتَّقَوْهُ وَ أَطِيعُونِ**"، ایشان را به اصول سه گانه دین دعوت می کند. جمله اول یعنی " **وَ اعْبُدُوا اللَّهَ**" به توحید، و جمله " **وَ اتَّقَوْهُ**" به تصدیق معاد که اساس تقوی است دعوت می کند، چون اگر معاد و حساب و جزای آن نبود، تقوای دینی معنای درستی نمی داشت، و جمله " **وَ أَطِيعُونِ**" به تصدیق اصل نبوت که همان اطاعت بی چون و چرا است می خواند.

سوره نوح	سورة نوح
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
همانا ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قومت را هشدار ده پیش از آن که عذابی دردناک به سراغشان آید.(۱)	إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)
گفت: ای قوم من! همانا من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم.(۲)	قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲)
که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا اطاعت کنید.(۳)	أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (۳)
تا [برخی] از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد، که اگر می‌دانستید، وقتی اجل مقرر خدا برسد دیگر به تأخیر نیفتد.(۴)	يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)
[نوح] گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.(۵)	قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)
و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود.(۶)	فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)
و من هر بار که آنها را دعوت کردم تا ایشان را بیمارزی، انگشتانشان را در گوش‌های خود کردند و جامه‌های خویش بر سر کشیدند و [بر کفر خویش] پای فشردند و هر چه بیشتر بر تکبر خود افزودند.(۷)	وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)
سپس من آنها را به آواز بلند دعوت کردم.(۸)	ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)
و آن‌گاه باز من به آنها علنی گفتم و در خلوت و خصوصی نیز به ایشان گفتم.(۹)	ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)
و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او قطعاً آمرزنده است.(۱۰)	فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰)
تا بر شما از آسمان باران پی‌درپی فرستد،(۱۱)	يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱)
و شما را به اموال و پسران مدد کند، و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها پدید آورد.(۱۲)	وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)
چيست شما را که برای خدا عظمت قائل نمی‌شوید؟(۱۳)	مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً (۱۴)	و حال آنکه شما را به گونه‌های مختلف آفریده است. (۱۴)
أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقاً (۱۵)	آیا ندیده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را بالای هم آفرید؟ (۱۵)
وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجاً (۱۶)	و ماه را در میان آنها روشنی بخش گردانید و خورشید را چراغی قرار داد. (۱۶)
وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً (۱۷)	و خداست که شما را [چون گیاه] به طرز خاصی از زمین رویانید. (۱۷)
ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجاً (۱۸)	سپس شما را در آن باز می‌گرداند و باز به طرزی عجیب بیرون می‌آورد. (۱۸)
وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطاً (۱۹)	و خدا زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت. (۱۹)
لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً (۲۰)	تا در راه‌های وسیع آن تردد کنید. (۲۰)
قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنِّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَاراً (۲۱)	نوح گفت: پروردگارا! آنها مرا نافرمانی کردند و کسی را پیروی نمودند که مال و فرزندش جز بر زیانکاری وی نیفزود. (۲۱)
وَمَكْرُوا مَكْراً كُبَّاراً (۲۲)	و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند. (۲۲)
وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدّاً وَلَا سُوعاً وَلَا يَعُوثَ وَ يَعُوقَ وَ نَسِراً (۲۳)	و گفتند: زنه‌ار، خدایان خود را رها مکنید، و هرگز «ود» و «سواع» و «یعوث» و «یعوق» و «نسر» را وانگذارید. (۲۳)
وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيراً وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالاً (۲۴)	و تحقیقا بسیاری را گمراه کردند. و [بار خدایا!] ظالمان را جز ضلالت میفزای. (۲۴)
مِمَّا خَطِيئَتُهُمْ أُغْرِقُوا فَأَذْخَلُوا نَاراً فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَاراً (۲۵)	[تا] در اثر گناهانشان غرقه گشتند و در آتش در آورده شدند، پس برای خود، در برابر خدا هیچ یابوری نیافتند. (۲۵)
وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً (۲۶)	و نوح گفت: پروردگارا! احدی از کافران را بر روی زمین باقی مگذار. (۲۶)
إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِراً كَفَّاراً (۲۷)	که اگر تو آنها را باقی گذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نمی‌زایند. (۲۷)
رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِناً وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَاراً (۲۸)	پروردگارا! بر من و بر پدر و مادرم و هر کس که با ایمان به خانه من در آید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای و ظالمان را جز هلاکت و تباهی میفزای. (۲۸)

آزمون روش های تدبر قرآن به قرآن

نام و نام خانوادگی شعبه مدرسه دانشجویی یا معرف شماره تلفن همراه

سوره های مبارکه تین، علق، قدر و بینه را در نظر بگیرید.

۱. از محتوای سوره مبارکه تین نوعی دسته بندی را ارائه دهید به گونه ای که بتوان آن را به عنوان شیوه ای برای مطالعه محتوای دیگر سوره های قرآن ارائه داد.
۲. محتوای سوره مبارکه علق را براساس سوره مبارکه تین طبقه بندی کنید. سپس در نتیجه این طبقه بندی سوره مبارکه علق را توضیح دهید.
۳. بین این چهار سوره دو سوره را انتخاب کنید که بتوان آنها را به عنوان زوج سوره معرفی کرد. زوجیت این دو سوره را براساس انواع معیارهایی که برای انتخاب زوج سوره وجود دارد شرح دهید.
۴. برای هریک از این چهار سوره براساس فواید آنها، غرضی از سوره را گمانه زنی کنید.
۵. برای هریک از این چهار سوره، یک آیه کلیدی انتخاب کرده و ارائه ای از محتوای سوره براساس این آیه کلیدی را بیان کنید.
۶. آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» از سوره مبارکه تین را در سوره مبارکه علق تفصیل دهید.
۷. این چهار سوره براساس چه محوری می توانند قرابت معنایی پیدا کنند به گونه ای که یک خانواده سوره را تشکیل دهند. این محور را تبیین کرده و نقش هر سوره در شرح آن را تعیین کنید.
۸. در بین چهار سوره چه موضوع مشترکی را می توان برای تدبر موضوعی انتخاب کرد؟ فهرست ریز موضوعات را با توجه به سوره ها معلوم کنید.
۹. یکی از سوره های نامبرده را انتخاب کرده براساس تعریف مشخصی که از آیات محکم و متشابه ارائه می دهید آیات سوره را به محکم و متشابه تفکیک کنید.
۱۰. با توجه به متن زیر از تفسیر المیزان وضعیت دین و حکم را در سه سوره دیگر بررسی و رابطه چهار سوره را حول محور دین بنویسید.

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» - این استفهام برای تقریر و تثبیت مطلب قبل است، و "احکم الحاکمین بودن خدا" به این معنا است که او فوق هر حاکم است، چون حکمش متقن ترین حکم است، و در حقیقت و نفوذ از حکم هر حاکم دیگر برتر است، حکم او به هیچ وجه دچار وهن و اضطراب و بطلان نمی گردد، خدای تعالی در عالم خلقت و تدبیر حکمی می راند که به مقتضای حکمت باید رانده شود، حکمی متقن و زیبا و با نفوذ، و چون از يك سو خدای تعالی احکم الحاکمین، و از سوی دیگر مردم از نظر اعتقاد و عمل دو طایفه هستند حکمت واجب می سازد که خدای تعالی بین این دو طایفه از نظر جزا در حیات باقی آخرت فرق بگذارد، و همین است که مساله بعث را واجب می کند.

پس تفریعی که در جمله "فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ" شده، از قبیل تفریع نتیجه بر حجت است، و جمله "أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ" حجت مذکور را تتمیم می کند، چون تمامیت حجت، موقوف بر احکم الحاکمین بودن خداست.

و حاصل آن حجت این است که: بعد از آنکه مسلم شد که انسان در احسن تقویم خلق شده، و معلوم شد که بعد از خلقت، به دو طایفه تقسیم می‌شود، طایفه‌ای که از تقویم خدادادیش که تقویمی احسن بود خارج و به سوی اسفل سافلین برمی‌گردد، و طایفه‌ای که به همان تقویم احسن الهی و بر صراط فطرت اولش باقی می‌ماند. و از سوی دیگر خدای تعالی مدبر امور ایشان، احکم الحاکمین است. و از سوی سوم حکمت این خدا اقتضا دارد که با این دو طایفه يك جور معامله نکند نتیجه می‌گیریم که پس باید روز جزایی باشد، تا هر طایفه‌ای به جزای عملی که کرده‌اند برسند، و عقل و فطرت آدمی اجازه نمی‌دهد و بهانه‌ای ندارد که این روز جزا را تکذیب کند.

پس آیات مورد بحث- به طوری که ملاحظه می‌کنید- همان معنایی را افاده می‌کند که آیه زیر آن را افاده می‌کند: "أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ" «آیا قابل قبول است که ما مردم با ایمان و اعمال صالح را مانند مفسدین در ارض، و یا مردم با تقوا را مانند فجار قرار دهیم؟ سوره ص، آیه ۲۸»، و نیز آیه زیر که می‌فرماید: "أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَخْلَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ" آیا کسانی که گناهان را مرتکب می‌شوند، گمان کرده‌اند ما با آنان همان معامله را می‌کنیم که با افراد با ایمان و با اعمال صالح خواهیم کرد؟ و آیا حیات و موت هر دو یکسان است؟ چه بد حکمی است که می‌کنند. سوره جاثیه، آیه ۲۱.

موفق باشید

سوره تین	سُورَةُ التِّينِ
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سوگند به انجیر و زیتون، (۱)	وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱)
و به طور سینا، (۲)	وَطُورِ سِينِينَ (۲)
و به این شهر امن. (۳)	وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)
که به راستی ما انسان را به نیکوترین ساختار آفریدیم. (۴)	لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)
سپس او را [به سبب کفرش] به پست‌ترین درکات بازگردانیدیم. (۵)	ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)
مگر آنها را که ایمان آورده اعمال صالح کردند که برایشان پاداشی بی‌پایان است. (۶)	إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)
پس چیست که تو را به تکذیب روز جزا وا می‌دارد؟ (۷)	فَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷)
آیا خدا بهتر از همه حکم کنندگان نیست؟ (۸)	أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

سوره علق	سورة العلق
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (۱)	اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)
انسان را از خون بسته‌ای آفرید. (۲)	خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)
بخوان که پروردگارت از همه کریم‌تر است، (۳)	اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)
همان که به وسیله قلم آموخت. (۴)	الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)
به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد. (۵)	عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)
چنین نیست [که می‌پندارند]، بی‌شک آدمی طغیان می‌کند. (۶)	كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (۶)
همین که خود را بی‌نیاز بیند. (۷)	أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (۷)
مسلم بازگشت، به سوی پروردگار تو است. (۸)	إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى (۸)
مگر آن را نبینی که باز می‌دارد. (۹)	أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹)
وقتی بنده‌ای نماز کند! (۱۰)	عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰)
چه پنداری اگر این بنده بر هدایت باشد. (۱۱)	أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ (۱۱)
یا به پارسایی فرمان دهد [آزارش چه زشت است؟] (۱۲)	أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ (۱۲)
مگر ندانی که اگر تکذیب کند و روی بگرداند [سزا خواهد دید]. (۱۳)	أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۳)
آیا ندانسته است که یقیناً خدا می‌بیند! (۱۴)	أَمْ لَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (۱۴)
حاشا که اگر دست بر ندارد موی پیشانی او را گرفته [به دوزخ] می‌کشایم، (۱۵)	كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)
موی پیشانی دروغزن خطاکار را. (۱۶)	نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶)
پس او گروهش را بخواند. (۱۷)	فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷)
ما هم آتشبانان را خواهیم خواند. (۱۸)	سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)
زنهار اطاعت او مکن و سجده کن و تقرب جوی. (۱۹)	كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

سوره قدر	سورة الْقَدَر
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
همانا ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.(۱)	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)
و تو چه می دانی شب قدر چیست.(۲)	وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)
شب قدر از هزار ماه بهتر است.(۳)	لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)
در آن شب فرشتگان و روح به اذن پروردگارشان از برای هر کاری فرو می آیند.(۴)	تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴)
شبی سراسر سلامت است تا صبحدم.(۵)	سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره بینه	سورة الْبَيِّنَةِ
به نام خداوند هستی بخش مهربان.	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
کافران اهل کتاب و مشرکان [از آیین خود] دست بردار نبودند تا این که دلیل روشنی برایشان بیاید.(۱)	لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱)
پیامبری از جانب خدا که صحیفه های پاکی را بر آنها بخواند.(۲)	رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲)
که در آن، نوشته های صحیح و استواری است [اما ایمان نیاوردند].(۳)	فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ (۳)
ولی اهل کتاب پراکنده نشدند مگر پس از آن که این دلیل روشن برایشان آمد [که پیامبر و قرآن است].(۴)	وَ مَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ (۴)
و آنها دستور نداشتند جز این که خدای یگانه را بپرستند و دین را ویژه ی او کنند و موحد باشند و نماز را بر پا دارند و زکات دهند و این است دین پایدار.(۵)	وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَ يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)
بی تردید کسانی از اهل کتاب که کافر شدند و مشرکان، برای همیشه در آتش دوزخند و آنها بدترین آفریدگانند.(۶)	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ الْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶)
البته کسانی که ایمان آورده و اعمال شایسته کردند، آنهاپند که بهترین آفریدگانند.(۷)	إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷)
پاداش آنها نزد پروردگارشان بهشت های پاینده ای است که از پای درختانش نهرها جاری است و تا ابد در آن بمانند، هم خدا از آنها خشنود است و هم آنها از خدا خشنود، این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگار خود پروا کند.(۸)	جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)